

پروفیسر

پروفیسر



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شهر باستانی دربند و حصار آن

قبایلی که از زمان مادیهادر
شمال کوههای قفقاز پراکنده
بودند گاهگاه به سرزمینهای
قفقاز مانند آران، وان،
گرجستان و داغستان هجوم
میبردند.

بسم

در کتاب منسوب به هرودت
آمده است که سکاها از دربند
بسرزمین ماد تاختند و لسی
کتزیاس نوشته است سکاها در
این زمان از راه کناره دریای
مازندران از راه خراسان و
گرگان بزرزمین آذربایجان
و آران تاخته اند گذشته از
سکاها آلانها، هونها، تاتارها،
خزرها، چیچینها، اینگوشها،
و قبایل دیگر همه از آنسوی
کوههای قفقاز رو بجنوب
آورده اند.

مجید کتانی

شاهنشاهی بزرگ هخامنشی از زمان کوروش بزرگ به اهمیت نظامی و سوقالجیشی ناحیه دربند پی برد، کوروش بزرگ در این منطقه دژهای نظامی بسا گل و سنگ برپا داشت ولی پس از توجه سکاها به استپ‌های روسیه و اوکراین مدتی این منطقه از تاخت و تاز آنان برکنار ماند. ما درباره چگونگی این استحکامات در زمان اشکانیان آگاهی درستی نداریم چنانکه در باره تاریخ اشکانیان نیز که چهارصد و هفتاد سال در کمال نیرومندی پادشاهی داشته‌اند و در بیشتر جنگها امپراتوری روم را بزانو درهیا آوردند آثاری برجای نمانده در آن زمان نیز بی‌شک در این بخش مرزی و کوهستانی حوادثی رویداده است. تنها در زمان بلاش اول و بلاش دویم درباره تاخت و تاز آلانها که از قبایل ایرانی بوده‌اند از دربند داریال مطالبی نوشته شده است.

دربند داریال در شمال گرجستان تنگه ایست که اکمون از جنوب به گرجستان و از شمال به سرزمین آسها (اوست شمالی) راه دارد اهمیت داریال پس از دربند است اما دربند مهمترین نقطه نظامی بود که قفقاز شمالی را بسا سرزمینهای آران و ارمنستان و آذربایجان مربوط میساخت و ازینرو دارای اهمیت نظامی و بازرگانی بسیار بوده است.

درباره دربند و بند آن یاقوت در معجم البلدان مینویسد: «این سد یادگار نوشیروان شاهنشاه ساسانی است که آنرا برای جلوگیری از تاخت و تاز قوم خزر به ایران ساخت و دری آهنین بر آن نهاد.»

درباره سد دربند حمزه اصفهانی نیز در اخبار پادشاهان در شرح احوال خسرو انوشیروان مینویسد:^۱

«وی سد دربند یا باب‌الابواب را نیز بنا کرد که طول آن از دریا تا

۱- سنی ملوک الارض والانبیاء «تاریخ پیامبران و شاهان» ترجمه آقای جعفر شمارصفحه

۵۵ و صفحه ۵۶ از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

کوه در حدود ۲۰ فرسخ است و بر هر ناحیه آن امیری از سپاه گماشت و آنجا را به اقطاع وی داد و از آبادانیهای آن ناحیه طعام ایشانرا فراهم کرد و چنان قرارداد که آن ناحیه با ضیاع خود پس از مرگ حاکم وقف اولادش باشد و فرزندان ایشان تا این زمان نگهبانان نواحی سد هستند و هنگام فرستادن هر امیر به نگهبانی مرزی که بدان جا تعیین شده بود خلعتی از دیبا منقش بنوعی از تصویر بهوی میبخشید و آن امیر شاه شده (مملکت) را بنام همان صورت مینامید از این رو القابی از قبیل بفران شاه، شروان شاه، فیلان شاه، آلان شاه پیدا آمد و یکی از ایشانرا بمناسبت تختی سیمین که خاص او کرده بود سریر شاه نامید و بعربی ملك السریر است و «سریر» اسم فارسی است نه عربی و بمعنی تخت کوچک است.

نام دربند: نام دربند يك نام پارسی است بمعنی گذرگاهی که در داشته باشد. در بسیاری از جاهای ایران چنین نامی دیده میشود از جمله در نزدیک تهران و شیراز و تبریز، نام دیگر دربند را دربند دریای گرگان (دروازه بحر خزر)^۲ دروازه دریا و دربند آهنین^۳ گفته اند ازینرو بزبان عربی باب الحديد و «الابواب» گفته شده.

در واژه باب و ابواب و باب الابواب و الابواب اختلاف پیش آمده است: «در لغت (باب) و (ابواب) در کتابهای جغرافیای عصر اسلامی نخست بشکل مذکور در بالا بکار میرفته و با هر کدام این نامهایک جا را مینامیده اند زیرا هر يك از آن واژهها ترجمه يك واژه فارسی جدا گانه است. لیکن سپس در نسخه برداریها (و) عطف از میان آنها افتاده و نویسندگان متأخر^۴ هر دو

۲- کتاب تاریخ مشیرالدوله

۳- این شهر را دربند خوانده اند که تازیان آنرا باب الحديد ترجمه کرده اند نام آن شروان نیز بوده و از بناهای نوشیروان خوانده اند دربند را عربان به «الباب» ترجمه کرده اند و دیگر دربندها را «الابواب» فرهنگ واژههای فارسی در عربی زیر واژه باب الابواب نوشته آقای امام شوشتری دیده شود شروان را نیز معرب کرده شروین گفته اند.

۴- الادیارات شابشتی صفحه ۱۵۲

نام را بشکل مضاف و مضاف الیه بکار برده اند. ^۵ «ابی الفدا با اینکه نام را بشکل (باب الابواب) آورده است لیکن در توضیحات خود افزوده است: «در زمان ما شهری بنام (باب الابواب) وجود ندارد و در آنجا شهری بنام (باب الحديد) دربند آهنین است»^۶

ابن خرداد به بجای واژه (دربند) ترجمه آنرا بشکل «مدینة الباب» بکار برده و بنای آنرا بخسرو اول انوشروان نسبت میدهد^۷ و میافزاید «ابواب (دروازهها) دژهایی است مشرف بر گذرگاهها در کوهستان و شماره آنها ۳۶۰ دژ است». در دنباله مطلب زیر عنوان «فاما الابواب» باز گوید: «اینپادهانه درهها در کوهستان قیق (قفقاز) است که در هر کدام بارویی است. از آنها است: دربند چول (باب صول)، دربند الان، دربند شابران، دربند لازقه (لزگیها) دربند بارقه (بارگه) دربند شماخی «سمخی» دربند تخت دار (صاحب السیریر). دربند پیلان شاه. دربند کاروتان»^۸

دربند تبر سرانشاه دربند لیرانشاه. دربند انوشروان^۹ و شهر سمندر در پشت دربند است. همچنین نویسنده زیر عنوان «حجاب کسری» باز واژه را بشکل «باب و الابواب» بکار برده است. پس تردیدی نمیماند که استعمال کلمه بشکل (باب الابواب) غلطی است که از نا آگاهی برخی نویسندگان متأخر از جغرافیای کوهستان قفقاز در دوران اسلامی ناشی شده است.

«باب سبک شده «باب الحديد» است که ترجمه واژه «دربند آهنین» فارسی است و در فارسی آنرا سبکتر کرده و دربند خوانده اند و منظور از «ابواب» که ترجمه واژه (دربندها) است، دربندهایی بود که بفرمان قباد ساسانی و پسرش

۵- له سترنج صفحه ۲۱۴ نرّه ص ۲۱

۶- تقویم البلدان صفحه ۲۰۱ و ۴۰۴

۷- المسالك صفحه ۱۲۳

۸- نسخه بدل طاروفان

۹- المسالك صفحه ۱۲۴

انوشروان در دهانه دره‌های کوهستان قفقاز ساخته بوده‌اند و چنانکه در بالا گذشت ۳۶۰ دژ در درازای کوهستان برای جلوگیری از تاخت و تاز خزران و آلان‌ها به آذربایجان و شروان و اران پدید آورده بوده‌اند.^{۱۰}

مسعودی^{۱۱} مینویسد: «انوشیروان با روی در بند را تاپک‌میل در دریا برد و از سوی دیگر تا کوه قبیغ»^{۱۲} ازینرو معلوم میشود قلعه در بند را قباد ساخته و انوشیروان دیوار سنگی قلعه را از دو سو چنانکه در شکل دیده میشود تا دریا پیش برده است کوه کبج نیز همان کوه تابه‌سران است که امروز بدین نام شهرت دارد. در گنج دانش چنین آمده است:

«باب‌الابواب از شهرهای معتبر داغستان است در بالای کوهی قلعه محکمی مجاور شهر ساخته شده است، معروفست که اسکندر رومی بنای این شهر نموده و انوشیروان عادل حصاری بر آن نهاده قولی هم هست که اسکندر بدر بند نیامده و بلکه در حیاتش از سردارانش هم نیامده‌اند...»

قلعه این شهر تا کنار دریا کشیده شده در قدیم دره‌های آهن بآن نصب بوده و بنای آن دیوار را انوشیروان برای دفع و منع ورود طایفه خزر که در آنوقت وحشی بودند و سرحد ایرانرا مغشوش میکردند ایجاد نمود گویند این دیوار در تمام طول کوه قفقاز ممتد و منتهی بدریای سیاه میشود مسافر که از خارج میخواهد بدر بند داخل شود ابتدا جز دیوار خرابه سنگی که از دریا شروع شده است چیزی بنظرش نمی‌آید.

و همچنین نوشته است:

«باب‌الابواب دربند شیروانست این شهر در کنار دریای خزر است.»

اصطخری گوید: شهر است که بسیار اوقات آب دریا وصل بدریوار آن میشود در وسط اسکله‌ایست که دوسداز دوسوی دریا با سنگ ساخته و با سرب

۱۰- فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی از آقای سید محمد علی امام شوشتری

۱۱- مروج الذهب جلد ۱

۱۲- کابج Kabkh - قبق و قبیغ و کابج بمعنی کوه است

محکم نموده و مدخل را گردانیده و انحناء داده اند و در دهنه آن دو زنجیر آهن کشیده اند که دخول و خروج بی اذن ممکن نیست این شهر از اردبیل بزرگتر است و مساحتش دو میل مربع است و زراعتش بسیار رسیده کم خوا^{۱۳} که آنرا از فواحی می آورند و دیوار طولانی کم عرضی از سنگ که ابتدا میشود از کوه برای محفوظ و محروس بودن شهر ساخته اند و راهی از کوه بلاد مسلمین ندارد و علاوه بر امتداد دیوار مسطور نیز قطعه ای از آن که خیلی شبیه است بدماغه طولانی در دریا کشیده شده که کشتیها نتوانند نزدیک شوند و این دیوار محکم از بناهای عالی و آثار تداپیرا نوشیروان - داد گرس و این شهر یکی از سرحداتای معظم و ثغور صلیبیه است و معروفست که در بالای کوهی که ممتد و متصل است بیابان ابواب و دیوار مذکور را روی آن ساخته اند زیاده از هفتاد فرقه سکنی دارند که زبان یکدیگر را نیز ندانند و سلاطین عجم در حفظ این دیوار و مواظبت این سرحد کمال اهتمام را داشته اند و دقیقه ای از دقایق محاربت آنجا را فروگذار نمی کردند و لوازم و مدارک و مصالح آنرا همیشه حاضر و مدام موجود داشته اند زیرا که میدانسته اند این سرحدی است پر خوف و خطر و غفلت از آن مورث صدمه و ضرر کلی است و از عساکر خاصه حاضر خود که بآنها اطمینان داشتند مستحفظ و ساخلوئی برای آن انتخاب میکردند و سران و سرداران ایشانرا مأذون و مختار میکردند که هر قدر بتوانند در آن زراعت و آبادی کنند و مالیه دیوانرا از ایشان نمیگرفتند محض آباد داشتن آن سرحد و چنانکه باید محکم و محروس بوده تا از لشکر اعدای ایمن باشد . . . از طوایفی که مخصوص حراست این ثغر بودند یکی طایفه تبرسران بودند و یکی طایفه فیلان و یکی جماعت لزگی که نهایت عدت و جمعیت داشتند و نیز طایفه شیروان و غیره که بجمعیت کمتر از دیگران بودند بالجمله بساب ابواب فرضه و اسکله

۱۳ - چنین است در اصل شاید خاک آنرا بوده.

دریای خزر است که طوایف خزر و سرسرو سندان و جندان و کرخ و غیره در اکناف آن ساکن اند

(و سپس درباره مردم این سرزمین مینویسد) : « . . . در آن حوالی ولایتی است جزو تبرستان که مردمش بلندقد و قوی و خوب هم زراعت میکنند لکن مردم قوم لزگی عدداً بیشترند و خاکشان وسیعتر و بسالا دست ایشان قبیله فیلان میباشد و خاکشان وسعتی ندارد و علاوه بر قصبه مسقط نیز در کنار دریا شهر شابران است که کوچک و محکم است و در اطراف آن قصبات واقع میباشد در باب دیوار بزرگی که ذکر کردیم اعتقادات مختلف است از جمله ابوالعباس طوسی در باب بنای آن دیوار بزرگ مینویسد : در وقت خلافت خود منصور از ما سؤال کرد که آیا میدانید چرا انوشیروان دیوار باب الابواب را ساخت یانه جواب گفتند اطلاع نداریم منصور گفت: (در اینجا شرحی درباره تاخت و تاز خزران به شمال ایران گفته و داستانی از انوشیروان و خاقان خزران نقل میکند که قرار گذاشتند دیواری میان سرزمین خود بکشند که از دوسو به یکدیگر تجاوزی نشود . . . و انوشیروان در آنجا بماند و ابتدا از سنگ و سرب دیواری ساخت که سیصد ذرع طول داشت و ارتفاعش محاذی رؤس جبال بود و دیوار را تا دریا امتداد داد و حکم کرد از قعر آب دیوار را مثل دیوار خشکی کشیده و درهای آهنی برای آن قرارداد و بصد نفر سپرد . . . »^{۱۴}

در آثار البلاد آمده است که باب الابواب شهر عجیبی است در کنار دریای خزر که با سنگ ساخته اند و وضعیت مستطیل و طولش قریب ثلث فرسخ و عرضش خمس فرسخ و دروازه های آن آهنی و برج های زیاد دارد و در هر برجی مسجدیست برای مجاورین و طلاب علوم و این شهر از بناهای انوشیروان عادل است در پهلوی او کوهی است که دماغه او پیش آمده است.

در آثار الاول است که باب نام چهار موضع است رابع اینست که باب الابواب گویند

۱۴ - گنج دانش از محمد تقی حکیم چاپ سنگی در دارالغلافه طهران ۱۳۰۵ ق

و شهر بست در ساحل دریای خزر که صورطلمسمیه در آنست جهت دفع اترک بی باک در این زمان عثمان پاشا ابن از میر وزیر سلطان مراد خان بن سلطان - سلیم خان عثمانی آنجا را مفتوح نمود و در آنجا قلعه ها ساخت و این شهر را انوشیروان در شعب کوه ساخت این کوه قبض و از قفقاز است . در مآخذ ارمنی اوایل سده های میانه در بند راجوگا یا چورا (جورا) نامیده اند و این مآخذ از سرزمینی بنام جورا و دولت محلی آن آگاهی داده اند و هنوز در نزدیک در بند بخشی است که به چور همانند است این شهر را لاکی ها چورول و دار گاه چولی مینامند بخش چور در سده پنجم و ششم یکی از کانونهای دین مهری و سپس مسیحیگری در قفقاز بوده که اسقف نشین شده است ولی در میانه سده ششم میلادی بر اثر تازش خزران بدانجا این مرکز به شهر پرتو (شاید بردع یا بردعه) انتقال یافت نوشته اند کرسی ایالت آران در سده چهاردهم هجری بردعه یا پرتو بود که خرابه های آن بر جاست ابن حوقل مینویسد طول آن یک فرسنگ و عرضش کمتر از یک فرسنگ است و چهار گوش و دارای دژی است در سه فرسنگی رود کر (کورا) در کناره یکی از شاخه های آن رود بزبان روسی قدیم نیز به در بند دروازه های آهنین یا در بند گفته اند و به داغستانی چولی و چورول و به ترکی عثمانی دمیر قاپیسی گفته شده است که ترجمه در بند آهنین است .

در بند یکی از باستانی ترین نقاط و شهر های قفقاز است و در کرانه غربی دریای مازندران نزدیک مصب رود سامور واقعست در ذوسوی مصب سامور کوه های تبرسران تا کناره دریا پیش آمده است . مورخان رومی و یونانی گذر گاه در بند را دروازه آلبانی یا دروازه خزران نامیده اند و گرجی ها آنرا دوگیس کاری^{۱۰} یعنی دروازه دریا خوانده اند .

نام پارسی در بند در مآخذ ارمنی در یک کتاب جغرافیا از سده هفتم میلادی آمده است . در تاریخ ایران از زمان مادها نام تنگه در بند دیده میشود . در بند

و داریال دو گذر گاه کوهستانی بوده که از آنجا سکاها، هونها، خزران، آلانها، روسها، تاتارها، خواسته‌اند به جنوب رخنه نمایند. گذشته ازین گاه دولت شاهنشاهی ایران و امپراتوری روم یاروم شرقی (بیزانس) مسلمانان، سلجوقیان، مغولان، عثمانیان در این ناحیه درگیری داشته‌اند.

از زمان شاهنشاهی هخامنشیان استحکاماتی با خشت و سنگ در دربند درست شده و تا آنجا که در تاریخ اشاراتی هست مرزبانان اشکانی و ساسانی ازین ناحیه نگهبانی میکرده‌اند.

از مآخذ یونانی و رومی چنین برمیآید که در نیمه دویم سده یکم میلادی در زمان فرهاد پنجم شاهنشاه اشکانی دربند دارای استحکامات محکمی بوده است.

در سده پنجم میلادی دربند نه تنها از نظر نظامی بلکه از نظر بازرگانی و سیاسی اهمیت بسیار یافت در آغاز پادشاهی قباد شاهنشاه ساسانی (۴۹۱-۵۲۹ م.) برج و باروی دربند با سنگهای بزرگ نوسازی شد و انوشیروان دادگر (۵۲۹-۵۷۹ م.) که خود در جنگها شرکت میکرد و از دربند دیدن کرده بود بر استحکام آن بیفزود و در قلعه دربند ارك و انبار سازو برگ و آب انبار و ساختمان برای زندگانی پادگان نظامی درست کرد. سنگ نبشته‌های ساسانی در کوه‌های دربند نشانه اهمیت این نقطه از نظر نظامی و تاریخی در آن زمان است.

پس از برافتادن شاهنشاهی ساسانیان در سده هفتم میلادی مسلمانان بققاز رو آوردند و میان آنها و مردم داغستان و خزران درگیری تازه‌ای رخ داد در این جنگ وجدال برخی از شاهزادگان ساسانی با خزران همراه بودند.

نوشته‌اند سلمان بن ربیعہ بابلی در زمان عمر به قفقاز لشکر کشید تا بعمارت ورودخانه بلنجر رسید و آنطرف رود با لشکر خاقان دچار شد سلمان با چهار هزار تن از متابعینش کشته شدند ...

و جای دیگر نوشته اند ابو موسی اشعری بعد از فتح اصفهان در سنه ۱۹- هجری سراقه بن عمر را بطرف باب الابواب فرستاد سر کرده لشکر او عبدالرحمن بن ربیعہ بود و بعد از کوشش بسیار شهر را تصرف کرد بدینگونه در سال ۷۳۴ میلادی مسلمانان بدر بند دست یافتند و خزران را بشمال راندند در این زمان در بند مرکز امیر نشین حکومت اسلامی شد و بنا بر شواهد تاریخی در آن زمان در بند از شهرهای بزرگی چون اردبیل و تفریس بزرگتر بود.

والی ارمنستان بنام مسلمة بن عبدالملك در در بند حکومت یافت. مسعودی مینویسد: «هجاور کشور شروان در جبل قبیخ مملکت طبرستان است که اکنون شاه آن مسلم برادرزاده عبدالملك است که امیر در بند است و این نخستین قوم نزدیک در بند است.^{۱۶} مسلمة بن عبدالملك در در بند به مرمت خرابیها پرداخت و راه آب در بند را که خراب شده بود و دروازه های آهنین آنها درست کرد و قلعه تاریخی را مستحکم نمود.»

مسعودی درباره کوه قبیخ مینویسد: «کوه قبیخ کوهی است شامل هفتاد و دو قوم که هر قوم شاه و زبانی دارد و شهر بساب و ابواب بر یکی از تنگه های آنست.»

شهر در بند در این زمان هفت بخش میشد و دارای مسجد و شبستان گشته راه های آسیای میانه (سغد و خوارزم) و اروپای شرقی و راه رود های دن و ولگا همه بدر بند منتهی میشد و پس از آن آگاهی های درستی از آن نداریم.

ابی الفدا در تقویم البلدان «در بخش شمالی از زمین» چنین میافزاید: «آنجا ۱۷ و آن بندریست از بندرهای گرج و گرجان نصرانیند و طول آن بندر سح درجه ۱ دقیقه و عرض آن مو درجه در کتاب عزیزی آمده است شهر آنجا بزرگ معروف به ارطنوج است. ابن سعید^{۱۸} گفته در مشرق آنجا

۱۶- مروج الذهب جلد اول در ذکر جبل قبیخ

۱۷- همه جا در تقویم ابی الفدا بجای ابخاز آنجا آمده است شاید اشتباه چاپ باشد

۱۸- جغرافیا نویس آندلسی

در کنار دریا شهر علانیه نهاده است و آن شهر بیست که گروهی از مردم الان^{۱۹} نشیمن دارند و آنهارتر کهایی^{۲۰} هستند که نصرانی شده اند طول آن سطرجه و عرض آن مودرجه است و الانها مردم بسیاری در این ناحیه اند در پشت شهر دربند و دروازه ها و در همسایگی آنها قومی از ترك ؛ خانه دارد که آنها را آس گویند و این آسها بر روش و دین آلا آنها هستند قلعه الان یکی از قلعه های استوار جهانست که سربا بردارد و جایی نهاده است که طول آن عح درجه و کد دقیقه و عرض آن مه درجه و م دقیقه و آن قلعه برقله کوهیست که در پهلوی دربند آهنین است و گفته شده که تترها کوشش زیادی برای گرفتن قلعه کرده اند و آنرا نتوانسته بگیرند مگر پس از زمان درازی با نیرنگ.

اما آنچه در شمالی دیوار است (دیوار دربند) و دروازه ها در آن ساخته شده امروزه آن جزء مملکت بر که^{۲۱} سلطان است که تتر مسلمانند .

در مشرق سرزمین الانها شاخه ای از دریاست که بدریای سینوب شهر خزران پیوسته میشود و آن منسوبست به خزران قومی که روسها آنان را نابود کردند و این دریا گاهی بدریای خزر خوانده میشود^{۲۲} و آن جایی است که طول آن عا درجه و عرض آن مه درجه و ل دقیقه و این شهر بر رودی است که از گوشه شمالی در این دریا میریزد.^{۲۳}

دربند در زمان سلجوقیان و خوارزمشاهیان جزء کشور ایران بود و در آخر سده نهم میلادی دودمان هاشمیان در دربند فرمانروایی داشتند (۸۶۹-۱۰۶۶م).

۱۹- آلان- آلبان- الروال بمعنى كوه است و البانها بمعنى نكهبانان كوهمتان

۲۰- همه جا ترك را در برابر تاتار ميگنند

۲۱- بار که

۲۲- شاخه دریای سیاه دریای خزر نام داشته و دریای آرف بوده نه دریای مازندران در برخی از کتابهای دیگر نیز چنین آمده است

۲۳- تعویم البلدان ابي الفدا صفحه ۲۰۳ چاپ پاریس ۱۸۴۰م.

ازین پس دربند مدتی مرکز حکومت سریر، لکز (لاکز) تبرسران (تابهسران) قیطاق (قایناق، بویناق) وزریگران (زرهسازان) و شروانشاهان بود.

شروانشاهان از زمان نوشیروان در قلعه شروان و نقاط دیگر داغستان بوده‌اند. و از شاهان مرزی بودند نوشته‌اند: «شروین نام قلعه شروان است و نام یکی از فرزند زاده‌های ملک کیوس «کاوس» برادر انوشیروان است»^{۲۴} شروانشاهان بنا بر نوشته بیشتر نویسندگان دودمان خویش را به بهرام گور ساسانی رسانده و خود را از خاندان ساسانی و نوشیروان میدانستند و از شاهان مرزی و از شاهزادگانی بوده‌اند که مرزبانی داشته‌اند. مسعودی در مروج الذهب از شاهی شروان نام میبرد که مملکتش از ونام گرفته. ابوریحان بیرونی آنان را از نسل اکاسره و ساسانیان دانسته است.^{۲۵}

مسعودی از محمد بن یزید شروانشاه نام میبرد و او را از نسب بهرام-گور دانسته^{۲۶} مسعودی خود از معاصران شروانشاهان بوده و از کشور آنان دیدن نموده است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
میرساند ولی خاورشناس روسی ولادیمیر هینورسکی در این نسبت تردید رواداشته است.

برخی از کتابهای نویسندگان اسلامی نسب شروانشاهان را به بهواد پسر جاماسب حکیم ساسانی رسانده‌اند در سده یازدهم میلادی فرمانده نگهبان

۲۴ - برهان قاطع زیر واژه شروین

۲۵ - آثار الباقیه

۲۶ - مروج الذهب چاپ مصر جلد ۱ صفحه ۷۷ در ذکر جبل قبیح

دربند بر شروانشاهان یاغی شد و چون شروانشاهان خواستند دربند را بگیرند و براو تاختند خان دربند بروسها متوسل شد ازینرو توفیق نیافتند. آخرین شروانشاه نیز بر شاه طهماسب صفوی یاغی شد و شاه طهماسب او را در سال ۹۴۵ هجری اسیر و گرفتار ساخت و یکسال پس از گرفتاری در گذشت و بدینگونه پادشاهی آنان پایان پذیرفت .

پیش از شروانشاهان چگونگی دست یافتن مغولان به داغستان و دربند ناگفته ماند لشکریان مغول چون به دربند رسیدند قلعه و حصار شهر تسخیر ناپذیر بود و چندی به پشت دیوار در پیکار بودند و راهی بدرون شهر و قلعه پیدا نمیشد تا آنکه براهنمائی یکی از مردم دهستان در بالای کوه تابه- سران سرچشمه آبی که به انبار آب حصار دربند راه داشت یافتند چون در قلعه دربند مخزن بزرگی ذخیره آب بود و چشمه کوچکی هست اگر آب را می بستند باز سودی نداشت مغولان شبانه چند گوسفند کشته و خون آنها را در آب چشمه ریختند و چون خون به مخزن آب قلعه راه یسافت پس از چند روز آب مخزن به کندهایی تبدیل شد و ناچار نگهبانان قلعه از بی آبی تسلیم شدند. مغولان در سال ۱۲۳۹ میلادی دربند راه یافته و برج و باروی شهر را خراب و ویران نمودند، در سال ۱۴۷۵ و ۱۴۷۶ میلادی که نماینده دولت و نیز کنت تاریخی در دربند بود نوشته است: « فقط يك ششم جمعیت در قلعه زیر کوه زندگی میکنند بقیه شهر از طرف دریا خراب و خانه‌ها ویران است. پس از آن مدتی تیموریان «میرزایان» و ایلخانیان در داغستان حکمرانی داشتند سپس در جنگهای ایران و عثمانی در زمان صفوی و پیش از نادر شاه چندبار دربند بدست عثمانی‌ها افتاد ولی پادشاهان صفوی و نادر شاه آنرا از آنجا راندند در جنگی که نادر با عثمانیان نمود و مردم داغستان و

گرجستان در ارمنستان همراه او بودند عثمانیان شکست سخت خوردند و نادرشاه تا قلعه قارص پیش رفت و عثمانیان درخواست صلح نموده بشرابط نادرشاه تن دادند .

در مآخذ روسی آمده است که در ۱۴۶۵ میلادی پادشاه شروان و در بند فرخ یسار بود فرستاده‌ای بنام حسن بیک بنزد ایوان سوم تزار روس فرستاد. سال دیگر روسها فرستاده‌ای بنام واسیلی بهمراه بازرگانان روس بدر بند فرستادند و پس از آن در بند با حاجی طرخان روابط بازرگانی برپاداشت . مسافری روس بنام فدوت کنوف که در سال ۱۶۲۳ میلادی بدر بند رفته نوشته است شهر در بند شهری است استوار و محکم و از سنگ سفید حصاری بدور آن کشیده است اما جمعیت آن اندک است یکطرف شهر بکوه و طرف دیگر شهر دریاست طول شهر بیش از سه کیلومتر و عرض آن سیصد قلاج (باندازه‌ای که دودست را باز کنند) شهر در دوجا بدوبارو قطع میشود و شهر به سه بخش تقسیم میگردد .

پطر کبیر برای اکتشاف بازرگانان سوی قفقاز فرستاده بود از جمله ولینسکی نامی را بدر بار شاه سلطان حسین فرستاده بود تا اطلاعاتی درباره ایران و قدرت نظامی آن و سرزمینهای قفقاز مانند داغستان و در بند کسب نماید در این زمان فتحعلیخان داغستانی در اصفهان صدارت داشت .

ولینسکی پس از انجام مأموریت به حکومت حاجی طرخان منصوب شد و یکی از وظایف او آن بود که مرتب از نواحی مرزی ایران و داغستان و در بند بوسیله بازرگانان آگاهی پیدا کند و به پطر کبیر گزارش دهد در این زمان بواسطه ضعف حکومت شاه سلطان حسین اوضاع ایران روبه آشفتگی میرفت .

در ۲۳ اوت سال ۱۷۲۲ میلادی پطر کبیر بدر بند آمد و بواسطه ضعف حکومت مرکزی امام قلی فرمانروای ایرانی قفقاز پس از مقاومت مختصری کلید قلعه را به پطر سپرد و پطر کبیر در خانه‌ای در دربند چند گاه اقامت کرد ولی روسیه نتوانست دربند را نگاهدارد پطر کبیر به سن پطر زبورغ باز گشت. چون نادرشاه عبدالله پاشا سردار عثمانی را در نزدیکی ایروان شکست داده بقتل رساند لشکریان عثمانی پراکنده شدند نادرشاه در سال ۱۷۳۵ میلادی قلعه گنجه را تسخیر کرد و قفقاز را از وجود عثمانیان پاک کرد روسها نیز دربند را تخلیه کرده عقب نشستند و باز دربند بایران پیوست نادرشاه پس از مرمت دیوار قلعه کاخی برای اقامت خویش و فرماندار دربند ساخت و انبار مهمات و محلی برای پادگان نظامی برپا داشت. پس از آن لشکر کشیهای نادرشاه بورارود و افغانستان و هندوستان آغاز شد نادرشاه برادر خود ابراهیم خان ظهیرالدوله را بفرمانداری داغستان منصوب داشت. گاه برخی از قبایل داغستان بویژه لزگیها از فرمان او سرپیچی میکردند چون آوارها با او همراه بودند ابراهیم خان با قبایل یاغی در گفتگو بود آنها شرایطی برای صلح داشتند و او نمی پذیرفت روزی لشکریان ابراهیم خان در اندلال بودو از دره کامون و دژخیستی میگذشتند لزگیها از تنگه کوهستانی بر او تاخته ابراهیم خان را غافلگیر نموده و او را در زکاتال کشتند. نادرشاه در پیشاور در راه دهلی بود که این خبر ناگوار باو رسید ولی بکار خویش و پیشرفت سوی دهلی ادامه داد نادرشاه در بازگشت از هندوستان از راه جنگل گرگان و مازندران سوی داغستان میرفت که با سوء قصد شد و چون بداغستان رسید برای گوشمال سرکشان هجده ماه در آنجا ماند و با اشرار جنگید لشکریان نادر در محلی بنام ایران خراب بود که در غرب دربند است هنگام

لشگر کشی به جاروتله نزدیک ده چوخ بلشگریان او در کوهستان تلفاتی وارد شد. بواسطه کوههای سخت نادرشاه نتوانست همه سرکشان را دستگیر کند، در شعرهای غنائی و حماسی داغستانی که بزبان آوار و دارگا و لزگ هست هنوز از مردانگی های نادر و رشادت او سخن ها گفته میشود.

در سال ۱۷۶۵ میلادی نادرشاه کشته شد فتحعلی خان قبه ای ملک شمشخال و قیطاق دربند را به خانی قبه ملحق کرد اما پس از آن برخی از سران داغستان دربند را محاصره کردند و در سال ۱۷۷۵ م لشگریان روس امرای داغستان را که به خواهی ایرانیان دربند را محاصره کرده بودند تارومار کردند و فتحعلی خان قبه ای فرمانروای دربند کلیدهای شهر دربند را برای دویم تزار روس فرستاد اما چون دولت روسیه نمیخواست روابط سیاسی خود را با ایران تیره نماید کلیدها را نپذیرفت و پس فرستاد تا سال ۱۷۹۶ م که آقامحمد خان پادشاه قاجار بگرجستان لشگر کشی کرد سپاهیان روس بفرماندهی ژنرال زدیف پس از یکسال پایداری از دربند و داغستان و گرجستان و ارمنستان و سراسر قفقاز عقب نشستند. پس از قتل آقامحمد خان هنگام جنگهای اول ایران و روس هنگامیکه در سال ۱۸۰۶ م لشگریان روس بققاز و دربند نزدیک میشدند شیخ علیخان فرمانده پادگان دربند بود ایستادگی نمود روسها پس از چندی پیروز گشته پس از گشودن دربند شخصی از اهالی را بنام علی پناه بیک بجای او گذاشتند و جنگ گلستان (۱۸۱۳-۱۸۰۴ میلادی) پس از دهسال بغلیه روسیه تزاری انجامید و دربند و داغستان و ارمنستان و گرجستان و آران بروسیه وا گذارشد، گرچه پس از پیمان گلستان از سال ۱۸۱۳ م دربند در اختیار ارتش روس گذاشته شد ولی چنانکه خواهیم گفت دربند و مردم داغستان سالها مقاومت کرده و زیر بار روسیه تزاری نمیرفتند.

در حدود سال ۱۸۳۰ میلادی یکی از افسران روس بنام هارینسکی سراسر دیوار دربند را گشته و دیده است و درباره مشاهدات خویش گزارشی بر رئیس خود که افسری گرجی بوده است بزبان روسی نوشته است بشرح زیر:

«خرابه این دیوار کهنه که دنیای قدیم را باین قسمت دنیا که آنوقت هیچ سیاح و مورخی ندیده و نشنیده بود سوا می کند مشهود شد این دیوار یا از سلاطین فارس یا از پادشاهان مداست و مقصودشان ازین بنا منع دخول طوایف وحشی در مملکت خودشان بود، طایفه وحشی که آنوقت بوده اجداد ما بوده اند ببخشید از این اطلاق لفظ (ما) چه اجداد شما گرجی و از طایفه تربیت شده آن عصر بوده اند مقصود اجداد خود من است شما که زبان تاتار را خوب میدانید کتاب دربند را مطالعه کنید یقین در آن کتاب نوشته شده است که این دیوار را اسفندیار یا اسکندر یا انوشیروان بنا نهاده اند و آنچه معین است این دیوار از دریای خزر شروع و بدریای سیاه منتهی شده است در عظمت دیوار شك نیست در بانیس خلاف است هر که بوده الان در قبر وزیر خاك است و نمیداند که در اینوقت ما تاریخ می نویسیم و یاد می کنیم نه شما زحمت در تجسس پیدا کردن بانی بخود راه بدهید و نه این دروازه آهنی بسته نیست که ما نتوانیم با سودگی باقی مانده حالیه دیوار را سیر کنیم و بدانیم و بدانید که یکی از روزها با حاکم دربند و یکنفر از سلطانهای فوج ساخلوی شهر و جمعی از بوالهوسان که میل تماشا داشتند از شهر بیرون رفتیم میدانید که زمان پطر کبیر چند دفعه روسها این دیوار را که هشتمین عجائب و غرایب اینیه دنیا است سیر کرده اند... ۲۷

بطوریکه در ماخذ روس آمده است پس از عهدنامه های گلستان و ترکمان - جای دربند و نواحی داغستان تسلیم قوای روسیه تزاری نشد در سال ۱۹۲۰ ارتش سرخ بداغستان آمد و در ۲۵ مارس همانسال بدربند راه یافت بازرگانان ایرانی تا سال ۱۹۳۷ در دربند و داغستان بودند و کنسولگری ایران نیز دایر بود.

در بند امروز

در بند در دامنه کوه تبرسران واقع شده است، رود سمور از جنوب شهر بدریا می‌ریزد و از سمت جنوب هم مرز آران (آذربایجان شوروی) و در کنار باختری دریای مازندران واقع است، قسمتی از حصار سنگی شهر و ساختمانهای آن خراب است. قلعه وارگ در بند ۷۲ هکتار مساحت دارد. در دیوارهای سنگی حصار قلعه و شهر که از زمان قباد و انوشیروانست چندین جا آثار تعمیر دیده میشود دیوارهای حصار باندازه ای قطور است که چهار نفر میتوانند با هم روی دیوار قلعه راه بروند شهر در بند پس از محاصره قلعه دومین شهر بزرگ داغستان است و هفتاد و پنج هزار نفوس دارد بیشتر مردم آن تاتها هستند که زبانشان فارسی و دینشان یهودی است پس از آن لزگیان و آذربایجانیان هستند که مسلمانند که بیرون از حصار نیز سکونت دارند، درون حصار شهر مسجد بزرگی است با صحن مصفا که در آن پنج درخت چنار کهنسال سایه افکنده است مسجد در سال هفتصد و هفتاد هجری ساخته شده و بنام مسجد جمعه معروفست و مسجد شیعیان است گاه برخی از اهل تسنن نیز در آن نماز میگزارند شبستان مسجد باصداها قالیچه فرش شده است که مسلمانان ارمغان داده اند.

در در بند بناهای تاریخی و موزه کوچکی هست که در شکل جای آنها را نشان داده شده. همچنین در خارج از شهر در دامنه کوه چند گورستان بزرگ از مسلمانان و یهودیان (تاتها) و روسها و ارمنیان و گرجیان هست که روی سنگهای گور بفارسی، ترکی عربی، ارمنی و روسی نوشته است.

شرح جاها در دژ و شهر کنونی در بند

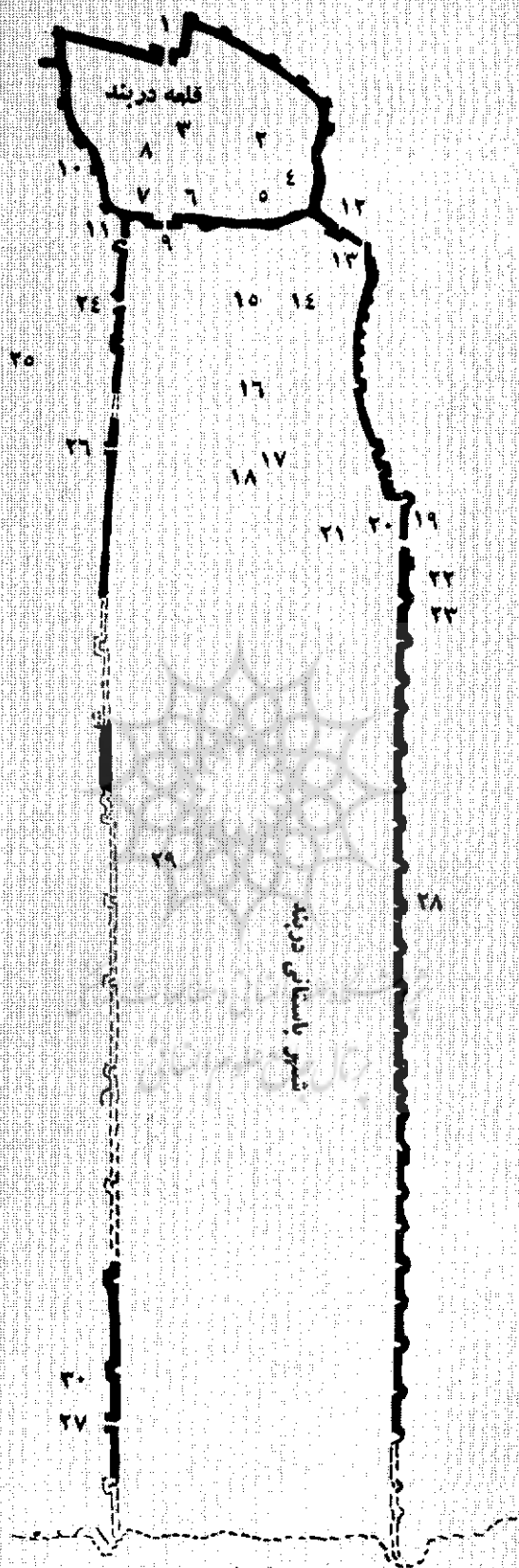
۱- دروازه غربی دژ

۲- انبار

۳- گرمابه امیر در بند

۴- انبار

۵- زندان زیر زمینی



- ۶- کاخ نادری
 ۷- حوض فواره
 ۸- زندان نظامی - پاسدارخانه
 ۹- دروازه شرقی دژ
 ۱۰- سنگ گور اسفندیار (شاید این نام اسفندیاراف یا اسفندیاران است)
 چون هر دو در زبان روسی به یک شکل نوشته میشود چه اسم خاص باشد و چه جمع.

۱۱- دروازه قلعه قاپی (دروازه دژ)

۱۲- دروازه جارچی (جارچی قاپی)

۱۳- مسجد و مناره آن

۱۴- آب انبار

۱۵- آب انبار

۱۶- کلیسا - مسجد (مسجد کلیسا)

۱۷- جمعه مسجد (مسجد جمعه)

۱۸- گرمابه قدیمی

۱۹- دروازه قیر خالار (قیر خالار قاپی)

۲۰- مسجد قیر خالار (قیر خالار مسجد)

۲۱- حمام قدیم دژ

۲۲- آرامگاه امیران دربند

۲۳- گورستان قیر خالار

۲۴- دروازه بیات (بیات قاپی)

۲۵- سنگ گور بنام جوم جوم؟

۲۶- دروازه میانه (اورتا قاپی)

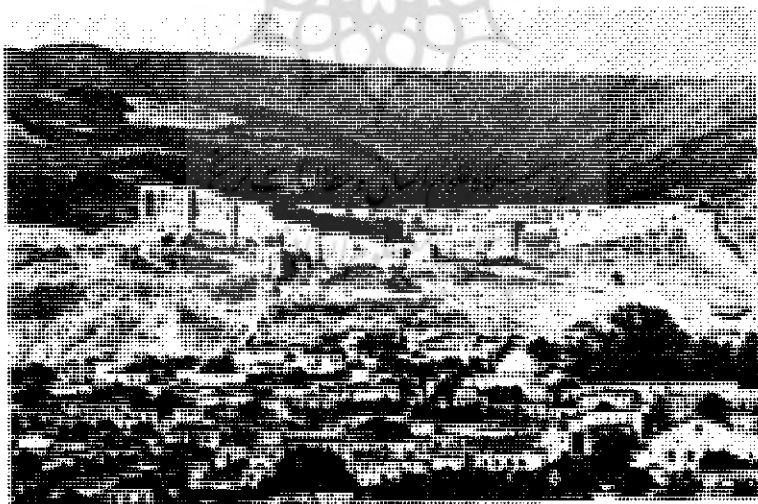
- ۲۷- دروازه دوبری (دوبری قاپی)
 ۲۸- دروازه شروان (اکنون شورین معروفست که در شروان است)
 ۲۹- موزه دربند که موزه کوچکی از وسایل نظامی است
 ۳۰- مهمانخانه آگنی (آتش) آگنی نام اوستائی آتش است و نام یکی از خدایان هندی که آتش را نگهبانی کند و شاید اینجا آتشکده زرتشتی بوده .



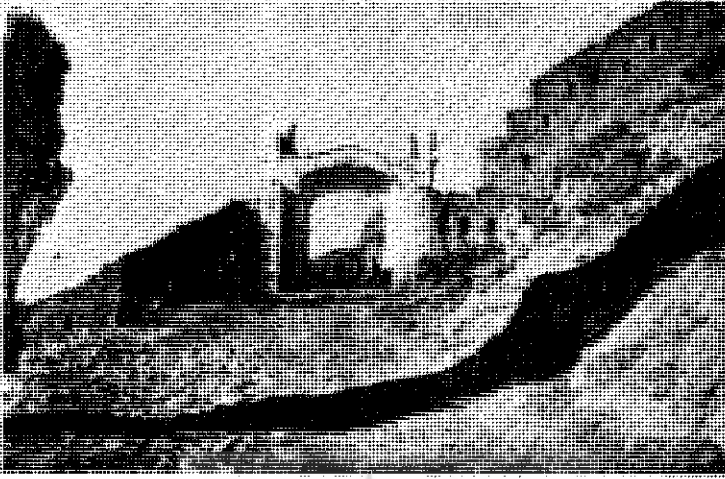
دهقونی یکی از آبادیهای آوار که «شامل» در آنجا دستگیر شد .



دروازه‌ای سرراه قونی آوار



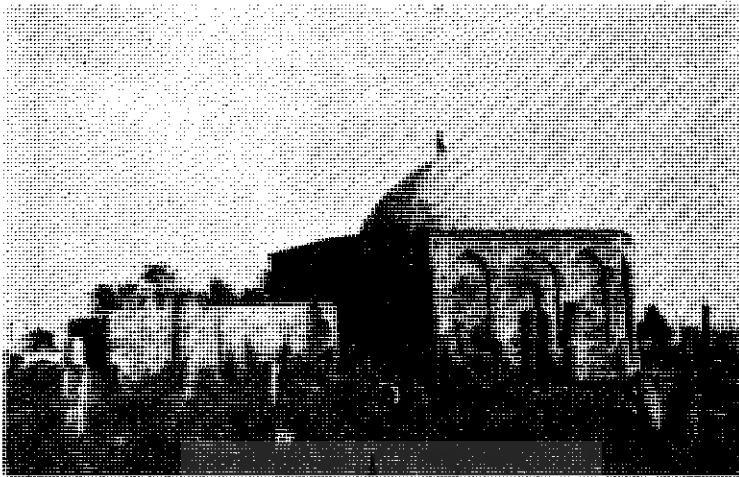
قلعه دربند و شهر تازه پائین دربند کنار دریای خزر



دروازه «شامل» که راه آن به قونی شمالی منتهی میشود



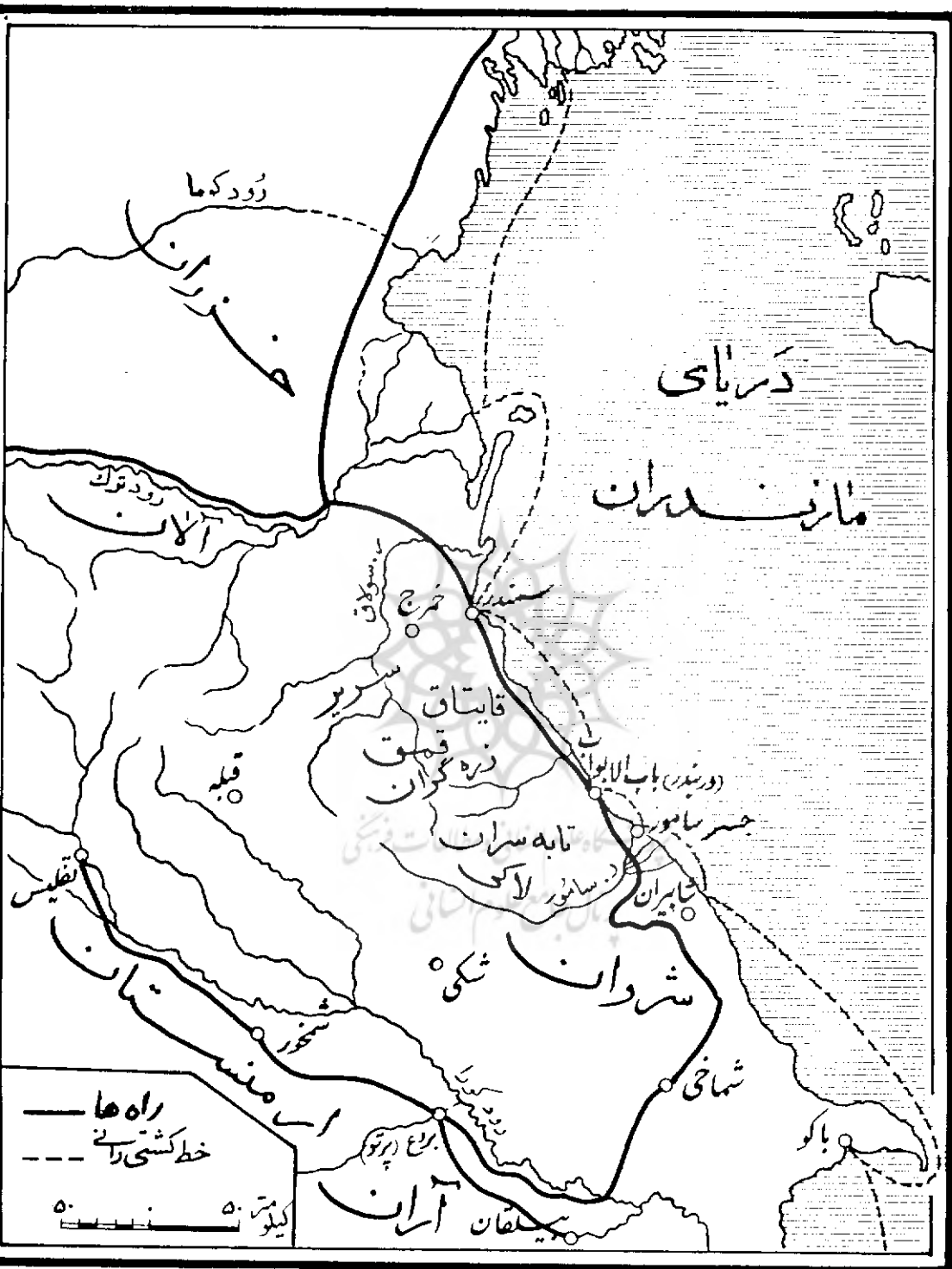
نارین قلعه از شیب شرقی کوه جانگان از آثار سده ششم میلادی



آرامگاه امیران دربند ازسندۀ هجدهم میلادی



خرابه‌های گرمابه درنارین قلعه دربند ازسندۀ هفدهم میلادی



موقعیت دربند در کنار دریای مازندران



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی